

# بررسی روایی و پایایی و ساختار عاملی مقیاس نیازهای خانواده برای خانواده‌های ایرانی

## Developing a Reliable and Valid Family Needs Scale for Iranian Families

H. Nasiri, M. A. ✉

S. Samani, Ph.D.

حبیب‌اله نصیری ✉

دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی دانشگاه شیراز

دکتر سیامک سامانی

استادیار بخش روان‌شناسی تربیتی دانشگاه شیراز

### Abstract

The aim of this study was to develop a reliable and valid family needs scale for Iranian families. The sample includes 472 men and women (267 males) with mean and standard deviation of age 36.39 and 7.71 respectively. All participants filled out The Family Basic Needs Scale.

Based on the results of the factor analysis with Varimax rotation, five factors were extracted: 1- Psychological/Emotional needs 2- Financial/Economical needs, 3- Physical Health needs, 4- Recreational needs, and 5- Educational needs.

Cronbach's Alpha for these factors and total scale were: .92, .90, .77, .88, .75, .95 respectively. Also divergent validity for this scale was checked.

In sum, the results showed that the Family Basic Needs Scale is a reliable and valid scale for assessment of the family needs for Iranian families.

**KeyWords:** family needs, family basic needs assessment, validity and reliability, divergent validity

### چکیده:

هدف از پژوهش حاضر بررسی روایی، پایایی و ساختار عاملی مقیاسی برای ارزیابی نیازهای خانواده‌های ایرانی است. برای رسیدن به این هدف ۴۷۲ آزمودنی طی دو مرحله انتخاب شدند (۲۶۷ نفر مرد و ۲۰۵ نفر زن). میانگین سنی آزمودنی‌ها ۳۶/۳۹ سال و انحراف استاندارد سن آن‌ها هم برابر با ۷/۷۱ بود. پس از دو مرحله که مرحله اول به صورت کیفی بود، از ۲۵۹ آزمودنی خواسته شد تا نیازهایی را که فکر می‌کنند در یک خانواده وجود دارد را بنویسند. پس از تحلیل داده‌ها با تحلیل عوامل و روش اکتشافی و مؤلفه‌های اصلی یک مقیاس ۴۸ گویه‌ای ساخته شد. در مرحله دوم، این مقیاس به ۲۱۳ آزمودنی دیگر داده شد تا پاسخ دهند.

پس از تحلیل نتایج یک مقیاس ۲۶ گویه‌ای با پاسخ‌هایی در مقیاس لیکرت ساخته شد. این مقیاس دارای ۵ خرده عامل است که ۰/۶۴ از واریانس کل را تبیین می‌نمایند. برای تعیین پایایی از ضریب آلفای کرونباخ برای کل مقیاس (۰/۹۵) و برای خرده مقیاس‌ها بین ۰/۷۷ تا ۰/۹۲ و روش پایایی تنصیفی (۰/۹۰) استفاده شد که نتایج حاکی از پایایی مطلوب این مقیاس می‌باشند. برای تعیین روایی از دو روش تحلیل عوامل و روایی واگرا استفاده شد که نتایج حاکی از مطلوب و بالا بودن روایی این مقیاس می‌باشند.

**کلیدواژه‌ها:** نیازهای خانواده، ارزیابی نیازهای خانواده، پایایی و روایی، روایی واگرا

✉Corresponding author: Dept. of Psychology, Shiraz University, Shiraz, Iran.  
Tel: +98711-6136483  
Fax: +98711-6286441  
Email: h\_a\_nasiri@yahoo.com

✉ نویسنده مسئول: شیراز - میدان ارم - دانشگاه شیراز - دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی - بخش روان‌شناسی تربیتی  
تلفن: ۰۷۱۱-۶۱۳۶۴۸۳ - دورنما: ۰۷۱۱-۶۲۸۶۴۴۱  
email: h\_a\_nasiri@yahoo.com :پست الکترونیکی:

# تحلیل کیفی تجردهای ناخواسته در دختران و پسران

## Psychological Impacts of Unwished Celibacy Among Girl and Boys

*M. B. Kajbaf, Ph.D.* ✉

*Z. Latifi, M. A.*

*H. R. Pouretamad, Ph.D.*

*M. Tavakoli, M. A.*

دکتر محمدباقر کجباغ ✉

استادیار گروه روان‌شناسی دانشگاه اصفهان

زهره لطیفی

دانشجوی دکتری روان‌شناسی دانشگاه اصفهان

دکتر حمیدرضا پوراعتماد

دانشیار گروه روان‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

ماهگل توکلی

دانشجوی دکتری روان‌شناسی دانشگاه اصفهان

### Abstract

The purpose of this study was to investigate attitudes, feelings, reactions and needs of girls and boys with unwished celibacy. The individual and social consequence of this phenomenon was also investigated.

20 girls and 10 boys (ages between 32 and 42) undergone a deep interview with a phonological approach.

Qualitative analysis of data indicated that perfectionism and parents' strictness on girls were the most important obstacles for their marriage.

But economic restrictions and difficulty in making decision (choosing right girl to get married) were the important causes for celibacy in boys. Female participants were absolutely unsatisfied with their condition and usually felt failure accompanied with physical weakness. They tended to show wide range of incommensurable reactions to deal with their society problems.

**KeyWords:** Unwished Celibacy, attitudes, feelings, reactions, needs.

### چکیده:

هدف این تحقیق بررسی دیدگاه‌ها، نگرش‌ها، احساسات، واکنش‌ها و نیازمندی‌های افراد مجرد در رابطه با مسائل فردی و اجتماعی است تا علل احتمالی، عوارض و پیامدهای روان‌شناختی و اجتماعی این پدیده برجسته و راه‌کارهای مواجهه با آن از منظر شرکت-کنندگان در تحقیق بررسی شود.

بدین منظور ۱۰ پسر و ۲۰ دختر (سنین ۳۲ تا ۴۲ سال) با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. جمع‌آوری اطلاعات با استفاده از پرسشنامه و مصاحبه عمیق فردی صورت گرفت.

داده‌های کلامی، پس از آن‌که کلمه به کلمه ثبت شدند، مورد تحلیل محتوا قرار گرفتند. تحلیل نتایج به روش کلایزی نشان داد که مهم‌ترین دلایل مجرد ماندن گروه دختران، کمال‌گرایی، سخت-گیری بیش از حد والدین و پیدا نکردن زوج مناسب، و در پسران عمدتاً مشکلات اقتصادی و تردید در تصمیم‌گیری برای انتخاب بوده است. در مجموع افراد مجرد از وضعیت خود راضی نبوده و احساس شکست روانی، ضعف جسمانی و احساس طردشدگی و عدم پذیرش داشته‌اند. آن‌ها در واکنش به نگرش‌های جامعه رفتارهای مختلف و متناقضی بروز می‌دادند که مورد بحث قرار گرفته‌اند.

**کلیدواژه‌ها:** تجردهای ناخواسته، پیامدهای روان‌شناختی، روش کیفی

✉Corresponding author: Dept. of Psychology Isfahan University, Tehran, Iran  
Tel: +98311-7932569  
Fax: +98311-6683107  
Email: m.b.kaj@edu.ui.ac.ir

✉ نویسنده مسئول: اصفهان - خیابان هزار جریب - دانشگاه اصفهان - دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی - گروه روان‌شناسی  
تلفن: ۰۳۱۱-۷۹۳۲۵۶۹ دورنما: ۰۳۱۱-۶۶۸۳۱۰۷  
email: m.b.kaj@edu.ui.ac.ir پست الکترونیکی:

بررسی رابطه بین سبک دلبستگی و روابط جنسی فرازناشویی در  
بین زنان بازداشت شده در مرکز مبارزه با  
مفاسد اجتماعی شهر تهران

**The Relationship Between the Attachment Style and the  
Extramarital sex Relationship Among Married Women  
in Residential Center for Deviant Women**

F. Sohrabi, Ph.D. ✉

F. Rasoli, B. A.

دکتر فرامرز سهرابی ✉

استادیار گروه روان‌شناسی بالینی دانشگاه علامه طباطبایی

فاطمه رسولی

دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی

**Abstract**

Extramarital relationship is the main issue in the family, which still remains a topic of interest for many research-hers, particularly in the field of sociology and psychology. This study a-ms to determine the role of attachmment style in extramarital sexual relationship in married women.

In order to achieve the goal of the study 55 married women who had extramarital sex relationship were sel-ected in residential center of deviant women.

70 normal women who had no extra-marital relationship were matched as a control group with the study group to compare. Both groups completed the Hazan and Shiver attachment style questionnaire. The Chi-Squire and Phicoefficient were used to analysis the data.

The result of the study indicated that women with insecure attachment style are more at risk of extramarital sexual relationship. A significant correlation was found between education level and extramarital sex relationship, rate.

Insecure attachment style may predispose women extramarital sex relationship. Given to the findings, modifying the attachment style into secure type would help to over come the problem.

**Keywords:** attachment style, extramarital relationship, women

**چکیده:**

مسئله روزافزون روابط جنسی فرازناشویی به‌عنوان یکی از عوامل آسیب‌زا در ساختار و ثبات خانواده، توجه بسیاری از متخصصان و پژوهشگران را به خود جلب کرده است. این پژوهش از میان عوامل متعدد روانی - اجتماعی مؤثر در این زمینه به بررسی سبک دلبستگی و روابط جنسی فرازناشویی در میان زنان پرداخته است. به منظور رسیدن به اهداف پژوهش ابتدا ۵۵ نفر از زنان متأهلی که به علت داشتن روابط نامشروع در مرکز مبارزه با مفاسد اجتماعی شهر تهران بازداشت شده بودند، با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. گروه کنترل نیز شامل ۷۰ نفر از زنانی که روابط فرازناشویی نداشتند، با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند.

هر دو گروه پرسشنامه سبک دلبستگی بزرگسالان هازان و شیور را پر کردند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها علاوه بر محاسبه فراوانی، درصد فراوانی، میانگین و نمودارهای مربوطه، از آزمون خی‌دو و ضریب فای و کرایمر استفاده شد.

نتایج حاصل از تحقیق نشان داد که بین سبک دلبستگی ناایمن و روابط فرازناشویی رابطه وجود دارد ( $P < 0/01$ ) و زنانی که سبک دلبستگی ناایمن خصوصاً سبک ناایمن اجتنابی دارند رابطه فرازناشویی بیشتری دارند ( $P < 0/05$ ). علاوه بر این مشخص شد که بین میزان تحصیلات و روابط فرازناشویی رابطه وجود دارد. به این معنی که میزان روابط فرازناشویی در میان زنان با تحصیلات پایین بیشتر است ( $P < 0/01$ ).

**کلیدواژه‌ها:** سبک دلبستگی، روابط فرازناشویی، زنان

✉Corresponding author: Dept. of Psychology, Allameh Tabatabaee University, Tehran, Iran.  
Tel:+9821-44737622  
Fax:+9821-44737572  
Email: sohrabi@atu.ac.ir

✉ نویسنده مسئول: تهران - انتهای بزرگراه همت - میدان دهکده - دانشگاه علامه طباطبایی - دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی - گروه روان‌شناسی بالینی  
تلفن: ۰۲۱-۴۴۷۳۷۶۲۲ - دورنما: ۰۲۱-۴۴۷۳۷۵۷۲  
email: sohrabi@atu.ac.ir :پست الکترونیکی

بررسی مقایسه‌ای شیوع کودک‌آزاری در دانش‌آموزان مقطع متوسطه  
بر حسب جنس، مقطع تحصیلی و سابقه طلاق در خانواده\*

**A Comparative Study of The Prevalence of Child Abuse  
In Highschools Based on Gender, Education and  
History of Divorce in The Family**

*O. Vizeh, Ph.D.*

*Sh. Moradi, M. A.*

*Z. Fadaee, M. A.*

*M. Habibi AsgharAbad, M. A.* ✉

دکتر اورزولا ویزه

استادیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی

شهرام مرادی

دانشجوی دکتری روان‌شناسی شناختی، دانشگاه اوره‌رو سوئد

زهرا فدایی

دانشجوی کارشناسی ارشد خانواده‌درمانی، دانشگاه شهید بهشتی

مجتبی حبیبی‌عسگرآباد ✉

دانشجوی دکتری روان‌شناسی سلامت، دانشگاه تهران

**Abstract**

The purpose of the present research is to study the prevalence of child abuse among highschool students in Tehran townships.

A sample of 738 high school students (355 girls) were selected based on clustered and stratified sampling.

A questionnaire for measuring physical and emotional abuse and neglect was developed. The questionnaire was standardized in a pilot study. Data was analyzed using factor analysis and multivariate analysis of variance (MAN-OVA).

Prevalence of physical abuse, emotional abuse, and neglect respectively were 17.5%, 49.46%, and 36.4%. The most prevalent type of physical abuse were slapping and kicking; for emotional abuse, shouting and insulting; and for negligence, lack of attention to the child's interests, sicknesses and not taking the child to the doctor.

Moreover, results showed that there are significant differences in prevalence of child abuse according to gender of students, grades, and divorce history in the family.

Results indicated that prevalence of child abuse is not as high as western countries, however it is similar to other studies that have been conducted in Iran and indicates that we need fundamental strategies for preventing child abuse.

**Keywords:** prevalence, physical and emotional abuse and negligence, high school students.

✉Corresponding author: Dept. of Psychology, Tehran University, Tehran, Iran.  
Tel: +9821-22431814  
Fax: +9821-29902395  
Email: babakhabibius@yahoo.com

**چکیده:**

پژوهش حاضر به منظور بررسی میزان شیوع کودک‌آزاری در دانش‌آموزان دوره متوسطه شهرستان‌های تهران انجام گرفته است. به این منظور پرسشنامه کودک‌آزاری محقق‌ساخته با سه حیطه کودک‌آزاری از نوع بی‌توجهی، جسمی و عاطفی روی ۷۳۸ دانش‌آموز اجرا شد که با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای و خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند.

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از تحلیل عاملی و تحلیل واریانس چندمتغیره (MANOVA) استفاده گردید. نتایج پژوهش نشان داد که میزان شیوع آزار جسمانی، ۱۷/۵٪ بی‌توجهی، ۳۶/۴٪ و عاطفی ۴۹/۴۶٪ است. در حیطه آزار جسمی شایع‌ترین آزارها عبارتند از: سیلی زدن و لگد زدن؛ در حیطه بی‌توجهی: بی‌توجهی به بیماری فرزند و نبردن نزد پزشک و بی‌توجهی به علاقه‌مندی‌های فرزند و در حیطه آزار عاطفی: فریاد زدن و ناسزا گفتن. نتایج پژوهش نشان داد که تفاوت معناداری در میزان شیوع کودک‌آزاری در حیطه جسمی، بی‌توجهی و عاطفی بر حسب جنس دانش‌آموزان، پایه تحصیلی و سابقه طلاق والدین در خانواده وجود دارد. نتایج نشان داد که شیوع کودک‌آزاری شباهت زیادی با مطالعات خارجی ندارد، اما با نتایج مطالعات داخلی همخوانی دارد و همین امر ضرورت توجه اساسی به اجرای برنامه‌های مداخله‌ای در مقیاس وسیع را می‌طلبد.

**کلیدواژه‌ها:** شیوع، کودک‌آزاری جسمی، عاطفی و بی‌توجهی، دانش‌آموزان مقطع متوسطه

\* این پژوهش با حمایت مالی معاونت پژوهشی دانشگاه شهید بهشتی انجام شده است.

✉ نویسنده مسئول: تهران - اوین - دانشگاه شهید بهشتی - پژوهشکده خانواده

تلفن: ۰۲۱-۲۲۴۳۱۸۱۴ - دورنما: ۰۲۱-۲۹۹۰۲۳۹۵

پست الکترونیک: email: babakhabibius@yahoo.com

# بررسی نارسایی ارزیابی روان‌شناسی قانونی در پرونده‌های کودکان و نوجوانان کانون اصلاح و تربیت

## An Investigation on Insufficient Forensic Psychology Assessment of Juveniles in Correction Service Center

M. Dehghani, Ph.D. ✉

M. Roshan, Ph.D.

A. Ganjavi, M. A.

دکتر محسن دهقانی ✉

استادیار پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی

دکتر محمد روشن

استادیار پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی

آناهیتا گنجوی

دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی کودک و نوجوان دانشگاه شهید بهشتی

### Abstract

Required services for delinquent children and adolescents are addressed in the field of forensic psychology. Delivering better services to them depends on taking a professional approach in assessment, diagnosis, and treatment. Hence, the type of gathered information could guide offered educations towards assigned objectives.

The objective of the present study was to examine demographic and psychosocial characteristics of juveniles main-tained in correction service and the need for a comprehensive psychological and forensic assessment as early as they enter the system. Profiles of 120 male juveniles inhabiting in correction center were reviewed to investigate the content and available information. Among them 78 profiles with valid data were selected, organ-ized, and reported in three categories: individualmental, family status, and peers and school features. Preliminary, the results suggest the need for development of a proper and standardized procedure for evaluation of children and adolescents in correction centers based on forensic psychology appro-ach to be implemented national wide. The prevalence of remarkable different mental-family-academic problems in this group necessitates the need for attending to these problems while proceeding them as delinquents in juve-nile justice system.

**KeyWords:** Forensic Psychology, Ju-veniles, Correction Services, assessm-ent.

### چکیده:

رسیدگی به کودکان و نوجوانان بزهکار در حوزه کار روان‌شناسی قانونی قرار دارد. ارائه خدمات بهتر به این جمعیت مستلزم رویکرد تخصصی، در حوزه‌های ارزیابی، تشخیص و درمان است. از این‌رو نوع اطلاعات دریافتی از مورد می‌تواند فعالیت‌های مراکز اصلاح و تربیت را هدفمند و در چارچوب اهداف تعیین‌شده هدایت کند.

این مطالعه به منظور بررسی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و روانی - اجتماعی نوجوانان بزهکار در کانون اصلاح و تربیت و ارزیابی نوع اطلاعات روان‌شناختی و قانونی گردآوری شده به هنگام ورود آن‌ها به کانون اصلاح و تربیت صورت گرفته است.

برای این منظور پرونده ۱۲۰ نوجوان بزهکار پسر ساکن در کانون اصلاح و تربیت مورد مطالعه محتوایی قرار گرفت. از میان این پرونده-ها ۷۸ مورد که حاوی اطلاعات معتبری بودند انتخاب و اطلاعات موجود در آن‌ها در سه طبقه گزارش شد: روانی - فردی، وضعیت خانوادگی و ویژگی‌های مرتبط با همسالان و مدرسه. نتایج در وهله اول نشان می‌دهد که این تحقیق پیشنهاد می‌کند برای ارزیابی و ارائه خدمات متناسب‌تر به این دسته از کودکان و نوجوانان، می-بایست فرم‌های استاندارد برای ارزیابی روان‌شناختی از نظر روان-شناسی قانونی تدوین و در این‌گونه مراکز به‌صورت یکسان اجرا شود. شیوع مشکلات متفاوت روانی - خانوادگی - تحصیلی در این گروه، نیاز به توجه دقیق به این مشکلات را پیش از زدن برچسب بزهکار به آن‌ها ضروری می‌سازد.

**کلیدواژه‌ها:** ارزیابی روان‌شناختی، کودکان و نوجوانان کانون اصلاح و تربیت

✉Correspornding author: Family Research Ins-titute, Shahid Beheshti University, G. C., Tehran, Iran  
Tel: +9821-22431814  
Fax: +9821-29902368  
Email: m.dehghani@sbu.ac.ir

✉نویسنده مسئول: تهران - اوین - دانشگاه شهید بهشتی - پژوهشکده خانواده  
تلفن: ۰۲۱-۲۲۴۳۱۸۱۴ دورنما: ۰۲۱-۲۹۹۰۲۳۶۸  
email: m.dehghani@sbu.ac.ir  
پست الکترونیک:

بررسی تأثیر روایت‌درمانی زوجی بر عملکرد خانوادگی  
زوجین شهر اصفهان

The Effect of Narrative Couple Therapy on Couples  
Family Functioning in Isfahan

S. Rabiee, M. A. ✉

M. Fatehi Zadeh, Ph.D.

F. Bahrami, Ph.D.

سولماز ربیعی ✉

کارشناس ارشد مشاوره خانواده

دکتر مریم فاتحی‌زاده

استادیار گروه مشاوره دانشگاه اصفهان

دکتر فاطمه بهرامی

استادیار گروه مشاوره دانشگاه اصفهان

**Abstract**

The purpose of this study was to examine the effectiveness of narrative couple therapy on couple's family functioning. Research procedure was quasi experimental with pre-test and post-test and control groups. Sample included 30 couples who were referred to Kashani hospital in Isfahan province in 2007.

They were placed randomly in the experimental (15 couples), and control (15 couples) groups.

Family functioning as dependent variable was assessed by Bloom's Family Function questionnaire.

The experimental group were exposed to narrative couple therapy for nine sessions. It was hypothesized that narrative couple therapy would improve couple family functioning and its dimensions and outcome will differ based on. Results showed that narrative couple therapy had improved couple's Family Functioning ( $P < 0/01$ ) and influenced all dimensions except enmeshment and religious commitment ( $p < 0/05$ ).

There was no gender difference ( $P < 0/05$ ).

**keyword:** Narrative couple therapy, Family Functioning.

**چکیده:**

هدف این پژوهش بررسی تأثیر روایت‌درمانی زوجی بر عملکرد خانوادگی زوجین شهر اصفهان بوده است. روش پژوهش نیمه‌تجربی با استفاده از پیش‌آزمون - پس‌آزمون و گروه آزمایش و کنترل بود. ۳۰ زوج از زوجین مراجعه‌کننده به بخش گفتاردرمانی بیمارستان کاشانی شهر اصفهان در سال ۸۶ به‌عنوان نمونه انتخاب شدند و به‌صورت تصادفی در دو گروه آزمایش (۱۵ زوج) و گواه (۱۵ زوج) جایگزین شدند. متغیر وابسته در این پژوهش عملکرد خانوادگی بود که توسط آزمون عملکرد خانوادگی بلوم ارزیابی شد.

گروه آزمایش در ۹ جلسه روایت‌درمانی زوجی شرکت نمودند. فرضیه‌های تحقیق آن بود که روایت‌درمانی زوجی بر بهبود عملکرد خانوادگی زوجین و ابعاد آن مؤثر است و تأثیر آن بر عملکرد خانوادگی زوجین و ابعاد آن برحسب جنسیت متفاوت است و عملکرد خانوادگی در زنان و مردان متفاوت می‌باشد. نتایج نشان داد که روایت‌درمانی زوجی عملکرد خانوادگی را بهبود می‌بخشد ( $P < 0/01$ ) و بر ابعاد آن به‌جز تأکیدات مذهبی و به‌هم‌تنیدگی مؤثر است ( $P < 0/05$ ). تأثیر این رویکرد بر عملکرد خانوادگی و ابعاد آن برحسب جنسیت تفاوت نداشته است ( $P < 0/05$ ). هم‌چنین بین عملکرد خانوادگی زنان و مردان تفاوتی وجود نداشت ( $P < 0/05$ ).

**کلیدواژه‌ها:** روایت‌درمانی زوجی، عملکرد خانوادگی، زوجین.

✉Corresponding author: Ayatollah Kashoni Hos-pital, Isfahan, Iran  
Tel: +98311-2330091-5  
Fax: +98311-6683107  
Email: ho\_farhadian@yahoo.com

✉ نویسنده مسئول: اصفهان - خیابان آیتا... کاشانی - بیمارستان آیتا... کاشانی - بخش گفتار درمانی  
تلفن: ۵-۲۳۳۰۹۱ - ۰۳۱۱ - دورنما: ۰۳۱۱-۶۶۸۳۱۰۷  
پست الکترونیک: email: ho\_farhadian@yahoo.com

## پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی از طریق میزان دلبستگی

### Prediction of Academic Achievement From Attachment Rate

*B. Atashrouz, M. A.* ✉

*Sh. Pakdaman, Ph.D.*

*A. Asgari, Ph.D.*

بهرروز آتش‌روز ✉

کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی

دکتر شهلا پاکدامن

استادیار گروه روان‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

دکتر علی عسگری

استادیار گروه روان‌شناسی دانشگاه علوم بهزیستی و توان بخشی

#### چکیده:

#### Abstract

The present study examines the relationship and predictability of academic achievement through attachment and its dimensions such as trust, communication, and alienation to parents and peers.

Sample includes 200 individuals (100 male and 100 female) of first grade students of high school that have been chosen through cluster sampling method.

The IPPA questionnaire used in order to measure the personality traits, Bes-ides, the average score of final exams in the third grade of guidance school was set as a criterion to measure academic achievement.

Results show a significant relationship between attachment to mother ( $r=0.378$ ), father ( $r=0.352$ ) and peer ( $r=0.342$ ) and the academic achievement. It was found that mother attachment has the most power to predict academic achievement and explained 14.3% of academic achievement variance. Among other attachment subscales mother trust has the most power to predict the academic achievement, explaining 15.5% of academic achievement variance.

هدف پژوهش حاضر تعیین میزان رابطه و پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی از طریق دلبستگی به مادر، پدر و همسالان و همچنین سایر ابعاد آن یعنی اعتماد، ارتباط و بیگانگی با والدین و همسالان می‌باشد. روش پژوهش حاضر از نوع همبستگی است. نمونه مورد بررسی در این تحقیق ۲۰۰ نفر (۱۰۰ نفر دختر و ۱۰۰ نفر پسر) از دانش‌آموزان سال اول دبیرستان بودند که براساس نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله انتخاب شدند. ابزار مورد استفاده در این پژوهش جهت سنجش دلبستگی، پرسشنامه دلبستگی به والدین و همسالان (IPPA) بود.

معدل دروس نهایی دانش‌آموزان در سال سوم راهنمایی به‌عنوان ملاک سنجش پیشرفت تحصیلی در نظر گرفته شد. یافته‌های پژوهش نشان‌دهنده رابطه معنی‌دار دلبستگی مادر، پدر و همسالان، با ضریب همبستگی  $r=0.378$ ،  $r=0.352$  و  $r=0.342$  با پیشرفت تحصیلی بود. نتیجه نهایی تحقیق نشان داد که دلبستگی به مادر بیشترین قدرت پیش‌بینی‌کنندگی پیشرفت تحصیلی را دارد. بر این اساس دلبستگی به مادر توانایی پیش‌بینی ۱۴/۳٪ از تغییرات پیشرفت تحصیلی را دارد. از طرف دیگر از میان خرده‌مقیاس‌های دلبستگی (اعتماد، ارتباط و بیگانگی با والدین و همسالان)، اعتماد به مادر با پیش‌بینی ۱۵/۵٪ از تغییرات پیشرفت تحصیلی بیشترین توانایی پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی را دارد.

کلیدواژه‌ها: پیشرفت تحصیلی، دلبستگی به والدین و همسالان

**Keywords:** academic achievement, parent attachment, peer attachment.

✉Corresponding author: Pravate Prantice

Tel: +98641-5259259

Fax: ---

Email: behrouzataashrouz@gmail.com

✉ نویسنده مسئول: خوزستان - دزفول - خیابان بهاران ۲ - پلاک ۳۶

تلفن: ۰۶۴۱-۵۲۵۹۲۵۹ دورنما: ---

email: behrouzataashrouz@gmail.com

پست الکترونیک: